

Psalms 104

Persian Standard Bible of 1895 (Old Persian)



- 1 ای جان من، خداوند را متبارکبخوان! ای یهوه خدای من تو بی‌نهایت عظیم هستی! به عزّت و جلال ملّیس هستی.
- 2 خویشتن را به نور مثل ردا پوشانیده‌ای. آسمانها را مثل پرده پهن ساخته‌ای.
- 3 آن که غرفات خود را بر آبها بنا کرده است و ابرها را مرکب خود نموده و بر بالهای باد می‌خرامد؛
- 4 فرشتگان خود را بادها می‌گرداند و خادمان خود را آتش مشتعل؛
- 5 که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا جنبش نخورد تا ابدالآباد.
- 6 آن را به لجه‌ها مثل ردا پوشانیده‌ای، که آبها بر کوهها ایستاده‌اند.
- 7 از عتاب تو می‌گریزند. از آواز رعد تو پراکنده می‌شوند.
- 8 به فراز کوهها برمی‌آیند، و به هموارها فرود می‌آیند، به مکانی که برای آنها مهیا ساخته‌ای.
- 9 حدی برای آنها قرار داده‌ای که از آن نگذرنند و برنگردند تا زمین را بیوشانند.
- 10 که چشمه‌ها را در وادیا جاری می‌سازد تا در میان کوهها روان بشوند.
- 11 تمام حیوانات صحرا را سیراب می‌سازند تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند.
- 12 بر آنها مرغان هوا ساکن می‌شوند و از میان شاخه‌ها آواز خود را می‌دهند.
- 13 او از غرفات خود کوهها را سیراب می‌کند و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می‌شود.
- 14 نباتات را برای بهایم می‌رویانند و سبزه‌ها را برای خدمت انسان، و نان را از زمین بیرون می‌آورد،
- 15 و شراب را که دل انسان را شادمان می‌کند، و چهره او را به روغن شاداب می‌سازد؛ و دل انسان را به نان قوی می‌گرداند.
- 16 درختان خداوند شادابند، یعنی سروهای آزاد لبنان که غرس کرده است،
- 17 که در آنها مرغان آشیانهای خود را می‌گیرند و امّا صنوبر خانه لقلق می‌باشد.
- 18 کوههای بلند برای بزهای کوهی و صخره‌ها برای یربوع ملجاء است.
- 19 ماه را برای موسمه‌ها ساخت و آفتاب مغرب خود را می‌داند.
- 20 تاریکی می‌سازی و شب می‌شود که در آن همه حیوانات جنگلی راه می‌روند.
- 21 شیر بچگان برای شکار خود غرّش می‌کنند و خوراک خویش را از خدا می‌جویند.

- 22 چون آفتاب طلوع می‌کند جمع می‌شوند و در بیشه‌های خود می‌خوابند.
- 23 انسان برای عمل خود بیرون می‌آید و بجهت شغل خویش تا شامگاه.
- 24 ای خداوند اعمال تو چه بسیار است! جمع آنها را به حکمت کرده‌ای. زمین از دولت تو پر است.
- 25 و آن دریای بزرگ و وسیع اطراف نیز که در آن حشرات از حدّ شماره زیاده‌اند و حیوانات خرد و بزرگ.
- 26 و در آن کشتیها راه می‌روند و آن لویاتان که بجهت بازی کردن در آن آفریده‌ای.
- 27 جمع اینها از تو انتظار می‌کشند تا خوراک آنها را در وقتش برسانی.
- 28 آنچه را که به آنها می‌دهی، فرا می‌گیرند. دست خود را باز می‌کنی، پس از چیزهای نیکو سیر می‌شوند.
- 29 روی خود را می‌پوشانی، پس مضطرب می‌گردند. روح آنها را قبض می‌کنی، پس می‌میرند و به خاک خود برمی‌گردند.
- 30 چون روح خود را می‌فرستی، آفریده می‌شوند و روی زمین را تازه می‌گردانی.
- 31 جلال خداوند تا ابدالآباد است. خداوند از اعمال خود راضی خواهد بود.
- 32 که به زمین نگاه می‌کند و آن می‌لرزد. کوه‌ها را لمس می‌کند، پس آتشفشان می‌شوند.
- 33 خداوند را خواهم سراپید تا زنده می‌باشم. برای خدای خود تسبیح خواهم خواند تا وجود دارم.
- 34 تفگّر من او را لذیذ بشود و من در خداوند شادمان خواهم بود.
- 35 گناهکاران از زمین نابود گردند و شیربران دیگر یافت نشوند. ای جان من، خداوند را متبارک بخوان! هَلِّلُویاه!